

منبع معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه منبع معدن تجارت www.smtnews.ir/about.html صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «منبع معدن»	
مدیرمسئول: عاطفه خسروی	
سازمان آگهی‌ها: ۰۵۲۸۸-۸۸۱-۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶ ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com تلفن: ۰۲۱۹۰(داخلی-۰۸)	
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۰۵۲۸۸-۸۸۱۰ تهران، خیابان قائم مقام فر اهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۲۳۳۸۱۱	
روابط عمومی: pr@smtnews.ir چاپخانه: صمیم	
www.smtnews.ir telegram.me/smtnews tozi.smtnews@gmail.com	info@smtnews.ir instagram.com/smtnewspaper http://eitaa.com/smtnews
https://ble.ir/smtnews	
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی عضو انجمن مدیران رسانه عضو تعاونی مطبوعات	

بحران آب در ایران دیگر صرفا یک مسئله زیست‌محیطی نیست؛ بلکه به عاملی تعیین‌کننده در تحولات جمعیتی، ساختار اقتصادی و ثبات اجتماعی کشور تبدیل شده است. زمانی که تأمین آب سالم، کافی و پایدار برای معیشت روستاییان، کشاورزان و جوامع شهری با مشکل روبه‌رو می‌شود، «مهاجرت» به‌عنوان گزینه بقا و جابه‌جایی به مراکز شهری یا مناطقی با فرصت‌های بهتر شکل می‌گیرد. در این چارچوب، عنوان «آب می‌رود، مهاجرت می‌آید»بازتاب‌دهنده واقعیتی است که در آن جابه‌جایی انسانی به‌دنبال تجدیدنایدپیری منابع آبی، ضعف حکمرانی و فشارهای اقلیمی نوظهور شده است.

شواهد مهاجرت ناشی از آب در ایران

مطالعات و گزارش‌های متعدد نشان می‌دهند که در ایران، کاهش بارش، خشکسالی‌های بی‌درپی، افت سطح آب‌های زیرزمینی و کاهش کیفیت آب در بسیاری از مناطق روستایی، موجب شده گروه‌های زیاد مردم ـ به ویژه کشاورزان، امداران و جوامع وابسته به منابع آب ـ خانه و محل زندگی خود را ترک کنند. به‌عنوان نمونه، برخی گزارش‌ها حاکی از آن هستند که در سال‌های اخیر، حدود ۴۱هزار نفر در یک سال به‌دلیل خشکسالی، گردوغبار، خشکی تالاب‌ها و کاهش معیشت، مجبور به جابه‌جایی شده‌اند

همچنین، منابع خبری از تخلیه کامل برخی روستاها در استان‌هایی چون یزد یا استان‌های مرکزی گزارش می‌دهند؛ برای مثال بیش از ۳۰۰ روستا در استان یزد که منابع تأمین آب کشاورزی‌شان خشک شده، به ناچار رها شده‌اند.

این روند، با حرکت گسترده روستاییان به سمت شهرها و افزایش سکونت در حاشیه شهرهای بزرگ همراه بوده است؛ جایی که مهاجران آب‌رسانی مناسب ندارند، اشتغال محدود است و زیرساخت‌ها فشار بیشتری را تحمل می‌کنند.

چشم‌اندازها و چالش‌های پیش‌رو

اگر روند کنونی بی‌تغییر باقی بماند، باید منتظر افزایش مهاجرت داخلی از مناطق روستایی به شهری بود، به‌ویژه از مناطق مرکزی و جنوب کشور. از سوی دیگر تشدید شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی در حاشیه شهرها، با افزایش نیاز به مسکن، خدمات آب و فاضلاب و زیرساخت‌های عمومی از بدیهی‌ترین اتفاقات مورد انتظار است. در ادامه نیز تشدید تنش‌های اجتماعی و منطقه‌ای بر سر منابع محدود آب و استفاده از آن، احتمالاً منجر به بروز پیامدهای امنیتی و سیاسی خواهد شد. در بعدی کلان‌تر کاهش توان تولید کشاورزی داخلی و وابستگی بیشتر به واردات، که تهدیدی برای امنیت غذایی خواهد بود.

کارتون روز



بدون شرح

طرح: حسین علیزاده

داغ کوچ اجباری

زمانی که تأمین آب سالم، کافی و پایدار برای معیشت روستاییان، کشاورزان و جوامع شهری با مشکل روبه‌رو می‌شود و «مهاجرت» تنها گزینه پیش‌رو برای بقای انسان است. مهاجرت ناشی از کم‌آبی، هشدار جدی نسبت به روندی است که اگر متوقف یا مدیریت نشود، نه‌تنها محیط‌زیست و منابع آبی را تهدید می‌کند، بلکه ساختار جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی ایران را نیز برهم خواهد زد. واقعیت غیرقابل‌انکار اینکه مهاجرت ناشی از کم‌آبی، نشانه‌ای است از شکست سازکارها در مدیریت منابع و تلاش برای بقای جوامع که سال‌هاست دامن بسیاری از استان‌های ایران را گرفته و هر سال گسترده‌تر می‌شود.

این هشدار را جدی بگیر ید...

۱- عوامل موثر بر مهاجرت آب‌محور

۱- فشارهای اقلیمی و کاهش منابع آب

ایران با کاهش مداوم بارش، افزایش دما، افزایش تبخیر و وقوع خشکسالی‌های شدید مواجه است. مناطقی که به لحاظ طبیعی ضعیف‌تر تبخیر و وقوع خشکسالی‌های مرکزی، شرق، جنوب و دشت‌های خشک، بیشترین آسیب را دیده‌اند. زمانی که آب کافی برای کشاورزی، تأمین شرب و تأمین معیشت روستایی وجود ندارد، سازگاری ممکن نبوده و مهاجرت گزینه‌ای برای بقا می‌شود.

۲- نابسامانی در مدیریت منابع آب

علاوه بر فشارهای طبیعی، عوامل مدیریتی سهم بسیار بزرگی در تشدید مشکل دارند. برداشت بی‌رویه از سفره‌های زیرزمینی، حفر چاه‌های متعدد بدون نظارت موثر، انتقال بین حوضه‌ای آب، عدم بازسازی شبکه‌های فرسوده آب، استفاده ناپایدار از منابع، و کمبود اصلاحات ساختاری، از جمله دلایل اصلی هستند. در چنین شرایطی درآمد‌ها و معیشت کشاورزان کاهش می‌یابد و ترک روستا برای آنها انتخاب محتومی می‌شود.

۳- پیامد اقتصادی پایین بودن بهره‌وری آب و کشاورزی

بخش کشاورزی که بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب در ایران است، بهره‌وری پایینی دارد و بخش اعظم منابع آبی صرف محصولاتی می‌شوند که آب‌بر بوده یا ارزش‌افزوده کمی دارند.

این وضعیت معیشت کشاورزان را شکننده کرده و تحت فشار قرار داده است. وقتی امکان ادامه تولید نباشد، دنبال کردن گزینه مهاجرت به شهر یا مناطق دیگر برای یافتن اشتغال جایگزین، منطقی می‌شود.

۱- پیامدهای مهاجرت ناشی از بحران آب

۱- فشار بر زیرساخت‌های شهری و افزایش سکونت در حاشیه‌شهرها
ورود مستمر مهاجران از مناطق کم‌آب به مراکز شهری، باعث می‌شود زیرساخت‌های شهری ـ آب، فاضلاب، مسکن، خدمات بهداشتی ـ با

پیشنهاداتی برای سیاست‌گذاری

– بازسازی زیرساخت‌های آب و فاضلاب در مناطق روستایی، به‌گونه‌ای که زندگی در مناطق کم‌آب قابل‌دوام شود.
– ایجاد فرصت‌های اقتصادی جایگزین در مناطق آسیب‌دیده، برای جلوگیری از مهاجرت اجباری؛ برای مثال صنایع کم‌آب، گردشگری ارگانیک و اشتغال خانگی.
– برنامه‌ریزی شهری هوشمند در مقصدهای مهاجرتی؛ تقویت مسکن اجتماعی، خدمات عمومی، مدیریت سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای و تقویت زیرساخت‌های شهری.

– نظارت بر فرآیند انتقال آب بین‌حوضه‌ای، جلوگیری از بهره‌برداری ناعادلانه و تضمین حقوق زیست‌بومی و اقتصادی جوامع محلی

سخن پایانی

مهاجرت ناشی از کم‌آبی هشدار جدی است؛ هشدار نسبت به روندی که اگر متوقف یا مدیریت نشود، نه‌تنها محیط‌زیست و منابع آبی را تهدید می‌کند، بلکه ساختار جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی ایران را نیز برهم خواهد زد. مهاجرت ناشی از کم‌آبی، نشانه‌ای است از شکست سازکارها در مدیریت منابع و تلاش برای بقای جوامع. بنابراین اگر کشور بخواهد از بروز مهاجرت‌های گسترده، تمرکز شهری ناهمگون و نابرابری‌های عمیق اجتماعی جلوگیری کند، باید اکنون با قدرت وارد میدان شود، اصلاح ساختاری را کلید بزند و زندگی را برای کسانی که نمی‌خواهند خانه‌شان را ترک کنند، قابل‌دوام سازد.

همایش IMITALKS در دانشگاه اراک بر گزار شد

در آمدی بر واقعیت‌های کسب‌وکار؛ از ایده تا بازار



خاطر نشان کرد که این وزارتخانه باید بر اساس ۳ دستور عملیاتی کلیدی بازتعریف شود:

- منافع ملی:** سیاست خارجی باید در راستای تأمین منافع راهبردی کشور عمل کند.
- اقتصاد:** دیپلماسی اقتصادی باید به اولویت نخست وزارت امور خارجه تبدیل شود.
- علم:** توسعه تعاملات علمی و فناوریانه با جهان باید در دستور کار دیپلماسی نوین قرار گیرد.

این سخنرانی با استقبال گسترده حاضران همراه بود و زمینه‌ساز بحث‌های تخصصی پیرامون نقش آینده وزارت امور خارجه در توسعه پایدار کشور شد.

وقتی منطق اقتصاد نادیده گرفته می‌شود



فیروزه عسگری فعال حوزه بازار سرمایه

در چند سال گذشته، اقتصاد ایران شاهد افزایش مداوم و چندبرابری قیمت‌ها در تقریباً تمام حوزه‌ها بوده است. از مواد اولیه صنعتی گرفته تا کالاهای مصرفی روزمره، از مسکن و خودرو تا مواد غذایی، همه با رشد‌های سنگین مواجه شده‌اند. در چنین شرایطی، منطق اقتصادی ایجاب می‌کند که ارزش دارایی‌های تولیدی نیز متناسب با این رشد قیمت‌ها افزایش یابد.

به زبان ساده، وقتی نرخ محصولاتی که یک شرکت تولید می‌کند چند برابر می‌شود، درآمد و سودآوری آن شرکت نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه ارزش ذاتی و واقعی سهام آن باید رشد کند. این یک اصل پذیرفته‌شده در علم اقتصاد و مالی است.

با این حال، وضعیت کنونی بورس تهران به‌گونه‌ای است که این منطق آشکار اقتصادی در آن رعایت نمی‌شود.

در سال‌هایی که تورم عمومی به‌طور بی‌سابقه‌ای بالا رفته، بسیاری از شرکت‌های بورسی که تولیدکننده مستقیم کالاهای مصرفی و صنعتی هستند، نه‌تنها شاهد رشد متناسب ارزش سهام خود نبوده‌اند، بلکه نرخ سهامشان حتی از چند سال پیش نیز پایین‌تر است. این پدیده از منظر علمی، غیرطبیعی و نگران‌کننده است.

اکنون بازار سهام به جایی رسیده که در آن نرخ بسیاری از سهم‌ها بسیار پایین‌تر از ارزش ذاتی یا حتی ارزش جایگزینی دارایی‌های شرکت‌هاست.

به بیان دیگر، اگر امروز بخواهیم همان شرکت‌ها را از نو تاسیس کنیم، هزینه ایجادشان چند برابر ارزش فعلی بازار سهام آنها خواهد بود. این یعنی بورس، که باید آینه تمام‌نمای وضعیت اقتصادی کشور باشد، از واقعیت اقتصاد جدا شده است. مشکل زمانی حادث می‌شود که رفتار قیمتی سهام‌ها را در نوسانات شاخص بررسی کنیم.

هنگام رشد شاخص کل، اغلب سهم‌ها با حرکتی لاک‌پشتی و بسیار کند، آن هم در محدوده حداقل مثبت، به سمت بالا حرکت می‌کنند.

اما همین سهم‌ها در زمان افت شاخص، با سرعتی برق‌آسا و واکنشی شدید، به سمت حداکثر منفی سقوط می‌کنند. این رفتار دوگانه و غیرمنطقی، نشان می‌دهد که نیروهایی پنهان یا ساختارهای نادرست در روند معاملات تأثیرگذارند.

چنین وضعیتی تنها نتیجه شرایط اقتصادی کلان نیست، بلکه به نبود اعتماد عمومی به بازار سرمایه نیز بازمی‌گردد. سرمایه‌گذاران حقیقی، که روزگاری نقش مهمی در رونق بورس داشتند، امروز نسبت به آینده آن بی‌اعتماد شده‌اند. نوسانات شدید، تصمیمات ناگهانی، سیاست‌های مقطعی و نبود شفافیت در عملکرد برخی شرکت‌ها، موجب شده تا بسیاری از سرمایه‌گذاران ترجیح دهند سرمایه خود را از بازار سهام خارج کنند و به بازارهای موازی همچون طلا، ارز، مسکن و خودرو پناه ببرند.

از سوی دیگر، نقش نهادهای نظارتی در ایجاد یا رفع این وضعیت بسیار تعیین‌کننده است. سازمان بورس و اوراق بهادار، بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و سایر نهادهای مرتبط باید به‌طور دقیق بررسی کنند که چه عواملی باعث شده ارزش سهام شرکت‌های تولیدی با ارزش واقعی آنها تفاوت فاحش داشته باشد.

آیا این شکاف ناشی از ضعف نظارت بر معاملات و فعالیت سهامداران عمده است؟ یا نتیجه سیاست‌های مالی و پولی متغیر و غیرقابل پیش‌بینی است؟

همچنین باید مشخص شود که در برخی مقاطع، چرا واکنش نرخ سهام به اخبار مثبت اقتصادی بسیار ضعیف و کند است، در حالی که به کوچک‌ترین سیگنال منفی، واکنشی شدید و هیجانی نشان می‌دهد.

این رفتار بازار نشان‌دهنده وجود بی‌اعتمادی ساختاری و احتمالاً دست‌کاری غیررسمی در روند معاملات است؛ امری که اگر نهادهای نظارتی به‌صورت دقیق و شفاف با آن برخورد نکنند، می‌تواند اعتبار کل بازار سرمایه را زیرسوال ببرد. بازار سرمایه باید بازتاب واقعی وضعیت شرکت‌ها و اقتصاد باشد، نه صحنه‌ای برای بازی با احساسات و ترس سهامداران خرد.

اگر شاخص نرخ کالاها چندین برابر شده، ارزش دارایی‌های تولیدی و شرکت‌های فعال در همان حوزه نیز باید متناسب با آن رشد کند. اینکه سهام شرکت‌هایی با دارایی‌های میلیاردی، کمتر از ارزش دفتری خود معامله شوند، نه‌تنها از نظر اقتصادی بی‌معناست، بلکه به کاهش اعتماد عمومی به بورس منجر می‌شود.

بنابراین، ضروری است که نهادهای تصمیم‌گیر اقتصادی کشور با همکاری سازمان بورس، برنامه‌ای جامع برای بازگرداندن منطق به بازار سرمایه تدوین کنند.

این برنامه باید شامل بازنگری در ساختار نظارتی، شفاف‌سازی معاملات حقوقی‌ها، جلوگیری از رفتارهای دست‌کاری‌شده، و ایجاد انگیزه برای ورود نقدینگی تازه باشد. بدون اعتماد عمومی و ثبات سیاستی، هیچ بازاری حتی با بهترین شرکت‌ها نیز شد پایدار نخواهد داشت.

در نهایت، باید پذیرفت که بازار سرمایه تنها با پخش‌نامه و حمایت مقطعی رونق نمی‌گیرد؛ بلکه با شفافیت، ثبات و انصاف در رفتار است که می‌تواند دوباره اعتماد ازدست‌رفته مردم را به‌دست آورد.

امروز بورس ایران بیش از هر زمان دیگری نیاز دارد تا نهادهای مسئول با نگاه علمی و مستقل، به بررسی دقیق این وضعیت غیرطبیعی بپردازند و پاسخی روشن به این پرسش بدهند: چرا وقتی همه‌چیز چندبرابر شده، سهام شرکت‌های مولد همچنان در پایین‌ترین سطوح خود باقی مانده‌اند؟